

« مکتب رمانتیسیسم در ایتالیا »

مریم رشیدی *

چکیده

در عصر رمانتیسیسم انسان با مفهوم جدیدی از حقیقت آشنا می‌شود که پایه و اساس آن برمبنای معنویات، فردیت، آزادی در بیان و تفسیر تاریخ و همچنین آزادی در بیان احساسات ناب انسانی می‌باشد. بطوریکه وجود یکایک این خصوصیات مانند عنصری حیاتی در زندگی هر فرد و هر جامعه ضروری می‌باشد.

واژگان کلیدی: عصر رمانتیسیسم، عصر روشنگری، نهضت رستاخیز، آزادی فردی.

مکتب رمانتیسیسم:

علت به وجود آمدن شعرا و هنرمندانی که به مکتب رمانتیسیسم گرویدند، تأثیری است که جریان ادبی قبل از آن، یعنی "illuminismo" دوره روشنگری بر ذهن و افکار ایشان گذاشته بود.

همانطور که میدانیم پایه و اساس نگرش سبک روشنگری بر محور منطق و عقل استوار بوده که در آن اهمیت مطلق منطق برای ساختن جامعه بشری مدنظر گرفته می‌شود.

از دیدگاه این سبک گرایش افراد به سیاست و مذهب در جامعه، گرایشی خرافاتی و اشتباه می‌بوده. بدین ترتیب پس از شکست سنگین جنبش‌های بزرگ و انقلابیونی که باید اهداف اصلی دوره روشنگری را دنبال می‌کردند، به علت آنکه نتوانستند از طریق منطق (به تنهایی) راهکارهایی برای ساختن تمدن بشری ارائه دهند و همچنین بدلیل عدم

توانایی منطق در بیان و تفسیر راز هستی و کهکشانها و زندگی بشر، یکی پس از دیگری شکست خورده و کنار گذاشته شدند. در پی این شکستها سبک رمانتیسیسم پدیدار شد که در آن روی آوردن به احساسات انسانی در بازسازی تاریخ در کلیه زمینه‌های متفاوتش دیگر اشتباه یا خرافات تلقی نمی‌شد، بلکه این شیوه بیانگر توانایی بشر در سازندگی زندگی آینده‌اش بود. هرچند که روند این پیشرفت در آن زمان نامشخص بود. همانطور که می‌بینیم تاریخ در روند تکاملی خود از عصر روشنگری تا رمانتیسیسم، بازنگری شده و دوباره ارزشیابی می‌شود.

قرون وسطی که در عصر روشنگری دورانی تیره و تاریک برای بشریت به حساب می‌آمده است. در دوره رمانتیسیسم به عنوان دوره گذر تاریخی برای رسیدن انسان به رشد و تکامل معنوی به حساب آمده است. این بدان معنی است که قرون وسطی از دیدگاه مکتب رمانتیسیسم به عنوان عصری که در آن اولین ریشه‌های تمدن مدرن بشری پایه‌ریزی شده است، محسوب می‌شود.

اولین کشور اروپایی که در آن سبک رمانتیسیسم پایه‌گذاری شد آلمان بود.

سپس این جریان ادبی در کشورهای دیگر اروپایی که به رشد معنوی رسیده بودند گسترش یافت. جنبشی که باعث بوجود آمدن این سبک در آلمان شد، «Tempesta e assalto» (Strum und Drang) نام داشت. در آغاز هدف اصلی این سبک درهم شکستن تمامی اصول قدیمی جامعه از نقطه نظر سیاسی، معنوی و ادبی بود. در این راستا مهم‌ترین اصل، فردیت و آزادی فردی انگاشته می‌شد که بالاتر از هرچیز در جامعه محسوب می‌گردید.

نظر به اینکه خیالات و تصورات ذهنی انسان به همراه احساسات او لازمه ادامه حیاتش می‌باشد.

مکتب رمانتیسیسم بر اینکه انسان احساسات و خیالپردازیهای خود را همواره در آزادی کامل و بدون توجه به شروط وقید و بندهای حاصله از پیش فرضهای اندیشه‌های انسانی تجربه کند، تاکید فراوان دارد. در زمینه ادبی اولین روزنامه‌ای که به این حرکت کمک به سزایی کرد، روزنامه «Ateneum» بود که در سال ۱۷۹۹ منتشر شد.

رمانتیسیسم در ایتالیا:

سبک رمانتیسیسم با تأخیر به ایتالیا وارد شد و با رمانتیسیسم آلمان تفاوت بسیاری داشت.

حرکت جدیدی در جهت شناسایی این سبک به همت نویسنده فرانسوی ژرمانا نکر^۱ ملقب به مادام استال از آلمان شروع و به تمامی اروپا گسترده شد. نویسنده در کتاب "De L'Allemagne" با ارائه نظریات و فرضیه‌های خود پاسخگوی سئوالات بسیاری از مردم و نتیجتاً رفع ابهامات آنها گردید. بدین ترتیب مورد تأیید و توجه بسیاری قرار گرفت. ضمناً بحثهای بسیاری بین طرفداران پرو پاقرص سبک قدیم و طرفداران مشتاق سبک جدید در گرفت.

در (La Billioteca) نام مجله‌ای ادبی در ایتالیا، مقاله‌ای توسط همین نویسنده فرانسوی منتشر شد که عنوان آن «در مورد فوائد ترجمه» در سال ۱۸۱۶ بود.

در آن مقاله نویسنده قصد داشت ایتالیایی‌ها را قانع کند که خود را از قید و بند سبک کلاسیک رها ساخته و به تمامی تقلیدهای پوچ و بی‌ارزش کلاسیک پایان دهند، و

درارتباط با ادبیات مدرن خارجی قرار گیرند تا بدین طریق جان تازه‌ای به ادبیات ایتالیا بدهند.

مقالات این روزنامه درباره انداختن تظاهرات و مخالفت‌های شدید بین طرفداران سبک کلاسیک که به شدت وابسته به سنن و رسوم قدیم بودند، و طرفداران سبک جدید که تعدادشان کم بود ولی گروهی هماهنگ و مصمم را تشکیل می‌دادند نقش بسزایی داشت.

در آن زمان روزنامه‌ای که هر دو هفته یکبار به چاپ می‌رسید و عنوان آن «il Conciliatore» بود، پایگاه ابراز عقیده پیروان سبک رمانتیسیسم گردید که در آن نظریات خود را بطور روشن، راسخ بیان می‌کردند.

در خور توجه است که مفهوم نام این روزنامه که در واقع حاکی از پیوند اندیشه‌ها بود، در قبولاندن تئوری رمانتیسیسم نزد ایتالیایی‌ها نقش بسزایی داشت.

مقالات این روزنامه در از میان بردن علاقه نویسندگان شعر شمال اروپا به تیرگی، ترس و وحشت و گرایش دادن آنها به روشنی تازه مبنی بر خیال‌پردازی و آزادی اندیشه و حفظ نظام سنتی ادب ایتالیا نقش مهمی را ایفا کرد.

سبک جدید همچنان در روند گسترش منطقی نظرات هنرمندان و طرفداران دوره روشنگری در بازسازی و بازنگری دیدگاه‌هایشان در زمینه‌های فرهنگی و ادبی تاثیرگذار بود.

در استان «لومباردیا»^۱ این سبک با تأکید به ادبیات مدرن و زنده که وضعیت واقعی جامعه را منعکس و به احتیاجات آن رسیدگی می‌کرد بسیار مؤثر بود.

در زمان بروز مشکلات سیاسی بین دولت ایتالیا و اطریش پیروان سبک رمانتیسیسم بودند که با بررسی مسائل ومشکلات اجتماعی ایتالیا مخفیانه در جهت یکپارچه کردن مردم و برانگیختن احساسات وطن پرستانه و ملی‌گرا و تنفر از خارجی‌ها با ارائه راهکارهایی مناسب فعالیت می‌کردند. در آن زمان «il Conciliatore» صدای آزادی ایتالیایی‌ها بود و مردم را برای نبرد «il risorgimento» در رسیدن به وحدت ملی آماده می‌کرد.

این روزنامه که در سوم سپتامبر ۱۸۱۹ تأسیس شده بود، در ۱۷ اکتبر ۱۸۱۹ بوسیله پلیس اتریش که بخشی از سرزمین ایتالیا را زیر نظر داشت، غیرقانونی اعلام شد، و نویسندگانی که به علت وجود این روزنامه گردهم آمده بودند و نمایندگان اولین رمانتیسیسم و آزادی‌خواهی ایتالیایی‌ها بودند، همگی یا به تبعید فرستاده شدند و یا به زندان افتادند. از جمله تبعیدشدگان سیلویو^۱ پلیکو بود. دیگر نویسندگان زندانی یا تبعیدی عبارت بودند از: «پرشه»^۲، «لودوویکو دی پرمه»^۳، «جان دومینیکو رمانیوزی»^۴.

در سال ۱۸۱۶ اثر معروف و مؤثر آن دوره «La lettera semiseria di Crisostomo» بود که برای متخصصین تعلیم و تربیت معنوی و اجتماعی منتشر شد. در این اثر «پرشه» همانند فردی که به واقعیت زمان دوره زندگی خویش آگاهی دارد با بیان اعتقاداتش نگرش معنوی معاصرینش را در جهت برتری یافتن هدایت می‌کند.

^۱ - Silvio Pellico

^۲ - Berchet

^۳ - Ludovico di Breme

در ایتالیا علاوه بر مقاومت سخت طرفداران سبک ادبی قدیم، جنبشهای استقلال طلبانه و ملی‌گرا نقش مهمی در به ثمر رساندن سبک رمانتیسیسم ایفا کردند. این جنبشها باعث شدند ایدئولوژی‌های فرهنگی و ادبی باشکوه دوران گذشته جمع‌آوری و طبقه‌بندی گردد. دیدگاه جنبشهای مذکور با سبک قدیم مخالفت صددرصد می‌ورزیدند، بلکه با تعمق و دقت سئوالهایی را که از قبل در سبک روشنگری وجود داشت مورد بررسی قرار می‌داد. نظر به اینکه شهر میلان در آن زمان هنوز وابستگی‌هایش با سبک ادبی «ورری»^۱، «بکاریا»^۲ و «پارینی»^۳ بسیار محکم و نیز جایگاه گروهی از اشراف آن زمان می‌بود، نقش مهم و بسزایی در حرکت جنبشهای استقلال طلبانه و ملی‌گرا بازی می‌کرد. نکته قابل توجه دیگر اینکه مشکلات ملی ایتالیا در آن زمان باعث شد تا در حیطه ادبیات رمانتیسیسم سبکی نو پدید آمد که بیشتر به جنبه‌های تاریخی - منطقی نظر داشت تا به جنبه‌های فرد گرایانه.

اگر به بحثهای رمانتیسیسم و یا به آثار «برشه»^۴، «پورتا»^۵ و «ماندزونی»^۶ نظری بیافکنیم براحتی می‌توانیم عوامل مؤثری که باعث ادامه راه رمانتیسیسم در مقایسه با سبک سنتی و قدیمی روشنگری شده است را بپذیریم.

^۱ - Verri

^۲ - Beccaria

^۳ - Parini

^۴ - Berchet

^۵ - Porta

^۶ - Manzoni

پیوستن بیشتر و بیشتر مردم نقاط مختلف ایتالیا به جنبشهای انقلابی و احساسات برآمده از این پیوستگی‌ها، زمینه‌های فرهنگی-سیاسی جدیدی بوجود آورد. لازمه پیشرفت و بازتاب سبک رمانتیسیسم در این زمینه‌ها وجود زبانی یگانه در میان مردم ایتالیا بود.

شاعران وطن پرست:^۱

پرشه یکی از شاعران دوره رمانتیسیسم بود که بدلیل داشتن فعالیتهای سیاسی علیه دولت اتریش به تبعید فرستاده شد. وی بدلیل احساسات سرشار و قدرت ناب خیال پردازی یکی از بزرگترین شعرای وطن پرست ایتالیا بود. او بدلیل داشتن احساسات پرشور وطن دوستانه و متبلور مجبور می‌شود که در این مقطع زمانی از پایگاه واقعی فعالیتهای ظریف هنرمندانه خود دور بماند. او اعتراف میکند بعنوان یک ایتالیایی وطن پرست و به منظور اشاعه عشق و احساسات وطن دوستی در میان هموطنان ایتالیایی‌اش و تحریک ایشان برای رسیدن به آزادی حاضر است شخصیت هنری خود را در جهت انجام وظائف دفاع از وطن و وطن پرستی فدا کند.

مشخصه آثار او نیرویی پایدار و مقاوم است که منعکس کننده تصاویر ذهنی او در آثار ناتمام یا تازه خلق شده اش می‌باشد.

او غالباً در نوشته‌هایش دقیق نیست ولی بسیار واضح و روشن آرزوها و احساساتش را بیان می‌کند.

نوشته‌های وی از سادگی و جذابیتی خاص برخوردار است که هرانسانی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. او در سال ۱۷۸۳ در میلان بدنیا آمد، پدر و مادرش اهل سویس و فرانسه بودند به همین دلیل از بچگی با زبانهای خارجی آشنا بود. بعدها آشنایی او به این

زبانها، در ایجاد ارتباطات فرهنگی با دیگر مناطق اروپا و همچنین در دوران تبعید برای وی بسیار کارساز و مفید واقع شد.

دیگر شعرای وطن پرست که در نقد وطن و آزادی آن می‌سرودند و با اشعارشان با ایجاد هیجان، بین مردم سرودهای آنان را در دوران «il risorgiment» ایتالیا همراهی می‌کردند از نظر طبع شعر و سروده‌ها در سطح پایین‌تری نسبت به «پرشه» قرار داشتند.

دیگر شاعر ایتالیایی در آن دوران، «گوفر دو ماملی»^۱ اهل «جنوا»^۲ می‌باشد که در سن بیست و دوسالگی در جنگ برای دفاع از جمهوری رم کشته شد. وی علاوه بر اشعار ملی و آزادیخواهانه‌ایی که سروده بود سازنده سرود ملی «Fratelli d'Italia» نیز بوده .

دیگر شاعر آزادیخواه «الساندرو پوزیو»^۳ بود که در ناپل^۴ به سال ۱۸۰۲ متولد شد و در سال ۱۸۴۸ در جنگ برای آزادی «ونیز»^۵ کشته شد. همچنین «لویجی مِرکانتینی»^۶ که سرود گاریبالدی را در فاصله سالهای ۵۹ تا ۶۰ سرود.

¹ -Goffredo Mameli

² -Genova

³ -Alessandro Poerio

⁴ -Napoli

⁵ -Venezia

⁶ -Luigi Mercantini

رمان تاریخی:

برای کامل کردن چهارچوب سبکهای دوران آزادخواهی در ایتالیا به سبک دیگری از سبکهای رمانتیسیم اشاره می‌کنیم. نام این سبک رمان تاریخی است. رمان تاریخی از نقطه نظر الهام گرفتن از حوادث تاریخی فرق چندانی با دیگر سبکهای دوره رمانتیسیم ندارد. در این سبک یا حداقل در بخشهایی از آن به مسائل بسیار با احساس و شگفت‌انگیز برخورد شده است. موضوعات انتخابی این آثار بیشتر جنبه احساسات وطن پرستانه دارد که حاکی از وقایع آن دوره «Risorgimento» می‌باشد. لازم به یادآوری است که «ballate e novelle» نمایانگر موقعیت زندگی و شرایط دردآور و غم‌انگیز ایتالیایی‌ها و همچنین امیدواری آنها به آینده می‌بود.

رمانهای تاریخی با آثار «والتر اسکات»^۱ آغاز شد، و بعد شاهکار «ماندزونو»^۲، آثاری بودند که وقایع تاریخی قرون وسطی و قرن شانزدهم را زنده کرده و همچنین به رشد آزادخواهی و وطن پرستی کمک می‌کنند.

بطور مثال کتاب «مارکو ویسکونتی»^۳ اثر «تومازو گروسسی»^۴ وقایع غم‌انگیز و دراماتیک زندگی یک دختر جوان را در درگیری عاشقانه با دو پسرعمویش در محیط و فضایی تیره و بسته قرن چهاردهم در استان «لومباردیا» به نمایش می‌گذارد. این رمان به همان اندازه که در سبک و نثر عامیانه است به همان اندازه در لحن و محتوی احساس‌گرایانه می‌باشد که خواننده را به سوی درک احساسات شورانگیز زمان هدایت

¹ -Walter Scott

² -Manzoni

³ -Marco visconti

⁴ T. G. ...

میکند. نویسنده دیگر دوره رمانتیسیسم «نیوو»^۱ نام دارد که در سال ۱۸۳۱ متولد شد. وی در سال ۱۸۴۸ در «Guardia civica» ثبت نام و به عنوان یکی از طرفداران جنبش «ماندزینی»^۲ در گروههای انقلابی شرکت کرد. در سال ۱۸۵۷ به میلان رفت و در آنجا با نوشتن مقاله‌های انقلابی در روزنامه‌های میلان، مردم را درنبرد علیه خارجی‌های تجاوزگر شوراند. اشعار و دو تراژدی و «Romanzo Maggiore» را همزمان با دیگر مقالاتش به چاپ رساند. و در دومین جنگ استقلال ایتالیا که در سال ۱۸۵۹ شروع شد در لشکر گاریبالدی شرکت یافت و تا آتش بس دردناک «villa Franca» جنگید.

مهمترین و یا شاید بهترین رمان آن دوره بعد از شاهکار «ماندزونی» نوشته همین نویسنده با نام «Le confessioni di un Italiano» است.

نقل داستان بر پایه وقایع زندگی خود نویسنده و با نوآوری خیال پردازانه بیان شده است که با تغییر شکل دادن به شخصیتها و وقایع اصلی همراه است و در آن تجربیات زندگی و عشق به وطن و میهن دوستی نویسنده ابراز شده است. «le confessioni di un Italiano» نقدی غیرواقعی و خیالی است که شخصیت اصلی داستان «کارلو آلتویتی»^۳ از وقایع زندگی خود میکند. این نقد دربرگیرنده خاطرات اولین سالهای زندگی او در قصر «Fratta» تا شروع دوران «Il risorgimento» می‌باشد. هسته اصلی داستان بر محور رویدادهای عاشقانه بین شخصیتها و عشق به وطن دور میزند. اگرچه بخشهای آغازین کتاب توصیف کننده زندگی آرام و باصفای وی در قصر بزرگ «Fratta» در کنار شخصیتهای اسرارآمیز و روزهای شادی بخش می‌باشد، ولی در اولین

^۱ -Nievo

^۲ -Mazzini

^۳ -Carlo Altoviti

بخش کتاب، زندگی وی و چهارچوب آن وسعت یافته و نمایشگر دنیایی پر از جنگ و عشق و امید میشود که در آن نقش آفرینان داستان برای ابراز عشق به وطن حاضر به هر کاری میباشند.

در اینجا لازم است به تضادی که بین دوره قدیم و دوره جدید دیده می‌شود اشاره شود. در دوره قدیم مردم در محیطی بسته و آرام در قرن هجدهم زندگی می‌کردند. در حالیکه دوره جدید که دوره بی‌ثباتی و انقلابی است مربوط به دوران «Il risorgimento» در ایتالیا میباشد.

بنظر می‌آید که این تضاد و دوگانگی بجای اینکه بعنوان نقض در کتاب دیده شود، یکی از بهترین محاسن آن به شمار می‌آید و همانند این است که ما در یک داستان از بین رفتن و انحطاط یک دوره و بوجود آمدن و طلوع دوره جدید را همزمان می‌بینیم. اکنون بپردازیم به مختصر شرحی در مورد زندگی و آثار تنی چند از نویسندگان برجسته عصر رمانتیسیم در ایتالیا.

جاکومو لئوپاردی^۱ (۱۸۳۷-۱۷۹۸) میلادی

او بدون اینکه در ارتباط با سبک کلاسیک باشد، سبک رمانتیسیم را محکوم کرده و به تنهایی خط مشی فلسفی خویش را دنبال میکند که مسیحیت از مدتها پیش آنرا رها کرده بود. زندگی این نویسنده داستان انسانی با روح قهرمان و از خود گذشته در قالبی مریض و ضعیف میباشد. که گرداگردش را مردمی زبون و پست احاطه کرده‌اند.

او عاشق زندگی بود و به علت کسالتی که داشت هیچگاه نتوانست زندگی را در کمال سپری کند. بیماری درازمدت او وضع اقتصادی نابسامانش مهمترین دشمنان او بودند. در واقع بزرگترین رنجها را در وجودش به همراه داشت این رنجها ذهن روشن و باهوش او را در خیالپردازی‌ها و توهمات بی‌پایانش فرسایش می‌داد.

او در سال ۱۷۹۸ در یکی از شهرهای کوچک استان «مارکه»^۱ بنام «رکاناتی»^۲ متولد شد. در جوار برادرش «کارلو»^۳ و خواهرش «پائولینا»^۴ توانست آرامش و راحت واقعی را برای زندگی پر از درد و رنجش پیدا کند. پدرش «کنتِ موندالدو»^۵ که شخص بسیار سخت‌گیر و مخالف هرگونه پیشرفت بود و همچنین مادرش «مارکزا آنتیچی»^۶ نتوانستند او را درک کنند.

«جاکومو»^۷ هفت سال از دوران نوجوانی زندگی خود یعنی از ده تا هفده سالگی را در کنج خلوتی از کتابخانه پدری‌اش به مطالعه و تحقیق پرداخت و خود به تنهایی لاتین، یونانی، عبری، فرانسه و انگلیسی را آموخت و نیز به بررسی و تفحص عمیق آثار ادبی باستان به ویژه ادبیات یونانی و لاتین پرداخت. در طول این دوران سلامت‌ش را بتدریج از دست داد و خود نیز در از بین رفتن سلامتی و جوانی‌اش نقش بسزایی داشت.

1 - marche

2 - Recanati

3 - Carlo

4 - Paolina

5 - Conte monaldo

6 - Marchesa Antici

7 - Giacomo

او در نوشته‌ها و سروده‌هایش این دوران از زندگی انسان را دوران شکوفایی نامیده و خود این دوران را در تنهایی و عزلت محض بسر برد.

اما رنج جسمانی هر قدر هم که برای وی ملال آور بود نتوانست جلو نبوغ و استعداد سرشار این شاعر و نویسنده جوان را بگیرد، وی از پانزده تا هفده سالگی به ترجمه و تفسیر اشعار یونانی پرداخت و کتابی در باب تاریخ ستاره شناسی و نیز کتاب دیگری در مورد هنر عهد باستان به رشته تحریر درآورد. و دو تراژدی با نامهای «فضیلت هندوان» و «پمپئو در مصر» را نوشت.

اندیشه این شاعر بزرگ عصر رمانتیسیسم محدود به مسائل و پدیده‌های حول و حوش وی نمی‌شد، بلکه افکار و اندیشه‌های او فراسوی عوامل و مظاهر روزمره قرار داشت.

وی پیوسته در جستجوی علل وجودی حیات و کائنات بود و زمانی هم که به انسان می‌پرداخت این موجود را به عنوان جزء کوچکی از همین کائنات مورد بررسی قرار می‌داد. برخی از مفسران و منتقدان ادبی بر این عقیده‌اند که بدبینی و شکاکیتی بیش از حد لئوپاردی در واقع از مشکلات خانوادگی و همچنین از بیماری رنج‌آور او سرچشمه گرفته است.

ولی آنطور که خود او می‌گوید و نیز میتوان از آثار او فهمید این امر با مسائل خانوادگی و سلامت او ارتباط زیادی ندارد و از طرز تفکر وی درباره مسائل و پدیده‌های مورد علاقه‌اش یعنی انسان و طبیعت سرچشمه گرفته است.

وی همواره طبیعت را محکوم نموده و انسان و سایر جانداران را قربانیان ظلم طبیعت خوانده، قربانیانی که آرزوها و امیال آنها در افقی دوردست قرار دارد و غیرقابل دسترسی است.

لئوپاردی در عین حال انسان را با وجود کوچکی‌اش در مقابل کائنات موجود والایی می‌داند که صاحب اندیشه و خرد است، ولی بنابر اندیشه لئوپاردی این انسان عاقل یک عاقل بدقبال است. زیرا به رغم توان فکری والای او، او را از تحمل ظلم و تعدی قوانین طبیعت گریزی نیست.

جوردانی^۱ که از افراد بنام آن دوره بود، بیهوده سعی کرد که او را در مقابل سرنوشتش که در واقع زندانی بودن در خانه پدری‌اش بود تسلیم کند، ولی اینکار بیهوده بود و او بارها و بارها از خانه پدری‌اش گریخت، اما بدلیل احتیاج مالی و بیماری‌اش مجبور به بازگشت شد.

در سال ۱۸۲۷ در فلورانس با «ماندزونی»^۲ که از نویسندگان معروف آن دوره بود آشنا شد. علاوه بر آن جاموکو با نویسندگان دیگر آن زمان مانند «جوهرتی»^۳ و «کاپونی»^۴ و «نیکولینی»^۵ نیز آشنا گردید. او با وجودیکه در میان این نویسندگان که به رشد و پیشرفت بشر اعتقاد کامل داشتند می‌زیست، یکبار دیگر خود را تنها یافت.

همزمان با «آنتونیو رانیری»^۶ که اهل ناپل بود آشنا شد و یک دوستی عمیق بین آن دو بوجود آمده لئوپاردی حدود پنج سال در ناپل نزد دوستش زندگی کرد و در این دوران با جسمی فرسوده و روحی آزرده و خسته در سال ۱۸۳۷ بدلیل بیماری قلبی در ناپل درگذشت.

^۱ -Giordani

^۲ -Manzoni

^۳ -Gioberti

^۴ -Capponi

^۵ -Nicolini

^۶ Antonio Panieri

اکنون شرحی مختصر در مورد آثار لئوپاردی:

او قبل از پیدا کردن سبک خاص خویش در سرایندگی، شاعر بود.

در یکی از سروده‌هایش که جنبه مذهبی دارد و در هجده سالگی آنرا با نام « L'appressamento della morte » سروده است، فرشته‌ایی که از طرف حضرت مریم بر او نازل می‌شود، نزدیک شدن مرگش را اعلام میکند و به او دلداری می‌دهد. این اثر به وضوح نشانگر گرایش انسانها به موضوع مرگ بیش از جنبه‌های دیگر زندگی مانند: عشق، ثروت، دانش و پیروزی می‌باشد. حضور فرشته و خبر دادن مرگ وی در سروده مذکور بیانگر بروز الهاماتی در ذهن شاعر است که به سبب آن شادی فرا رسیدن مرگ و رفتن به بهشت چنان افکار او را احاطه می‌کند که بنظر می‌رسد موضوع را کاملاً لمس کرده و از اینکه هنوز در واقعیت زندگی باید تا مرحله فرارسیدن مرگ صبر کند احساس نارضایتی و آزرده‌گی می‌کند. در این باب آنچنان پیش می‌رود که از خداوند می‌خواهد که او را در رسیدن به بهشت یاری دهد.

سال بعد این شاعر جوان اثر دیگر خود را که « Primo Amore » نام دارد، می‌نویسد. مشخصه این اثر تاکید بر خصوصیات معنوی و احساسی انسان با تاکیدهایی بر حقیقت به همراه غمی غیرقابل توصیف می‌باشد.

در سال ۱۸۱۸ هنگامی که هنوز هجده سال نداشت «لئوپاردی» برای اولین بار دو شعر برای مردم می‌سراید، که در آن زمان احساسات زیبا و پرهیجانی را برمی‌انگیزند و امروز نیز قادر به برانگیختن روان و ذهن مردم هستند.

این دو اثر به نام‌های «Sopra il monumento di Dante» و

در اثر «All'Italia» که شعری است نسبتاً بلند و از نادر اشعار این شاعر است که مضمون میهنی و حماسی دارد و شاید تنها اثر اوست که با کلامی ساده و بی‌آلایش و بدور از هرگونه تحلیل و پیچیدگی فلسفی، اندوه وی را از سلطه ستمگرانه خارجیان به کشورش بیان می‌کند. شعر از نظر محتوا به دو بخش کاملاً جدا از هم تقسیم می‌شود. در بخش اول که جنبه استعاره‌ای دارد شاعر ایتالیا را به بانویی زیبا تشبیه کرده و خطاب به وی سخن می‌گوید. در بخش دوم که بدور از هرگونه تمثیل و استعاره است، شاعر گوشه‌ای از نبرد ایرانیها و یونانیهای قدیم را مجسم می‌کند و همانطور که می‌بینیم ابیات این قسمت تماماً محتوای حماسی دارند و به طرزی اغراق آمیز به تجلیل از سپاهیان یونان پرداخته است. این شعر در میان اشعار لئوپاردی همچون وصله ناجور بوده و در فضای هنری او که همیشه جنبه فلسفی به همراه داشته است کاملاً ناآشنا با سبک وی ظاهر می‌شود. اشعار وطن پرستانه فقط برای مدت کمی وقت و ذهن لئوپاردی را به خود مشغول می‌کنند. چون همانطور که میدانیم شخصیت وی و نیز عوامل اکتسابی و محیط خانواده و اجتماع که قبلاً به آنها اشاره شد از او یک متفکر و پژوهشگر مسائل فلسفی ساخته بودند. به همین جهت لئوپاردی در خلق آثار خود چه نظم و چه نثر بیشتر به این مسائل پرداخته و جز مواردی نادر به موضوعات وطن پرستانه نپرداخته است.

او پس از سرودن این اشعار، خیلی زود بار دیگر گوشه عزلت گزیده و فقط به ندای درونی قلب خود گوش فرا می‌دهد.

بدین ترتیب اشعاری مانند «L'infinito» و «Alla luna» را می‌سراید که موضوع آن حکایت از دیدن دخترکی زیبا سحرگاه در خواب است. سروده‌های دیگر او «La vita solitari» و «la sera del di di festa» نام دارند. در این سروده‌ها تضاد غم انگیز بین آرامش و صلح شبانه و درد و ناراحتی شاعر نشان داده شده است.

اثر دیگر لئوپاردی «la quiete dopo la tempesta» نام دارد. در بخش اول که تقریباً نیمی از شعر را در بر می‌گیرد به توصیف طبیعت و فضای روستا پس از گذشت طوفان می‌پردازد و چهره‌ایی شکوفا و شادمانه از انسان و طبیعت را به تصویر می‌کشد. در اینجا طوفان به منزله فراز و نشیبهای تلخ زندگی است و آرامش پس از طوفان احساس راحتی خاطر است که انسان پس از رفع خطر و یا درمان عارضه‌ایی دردناک در وجود خود احساس می‌کند. و در قسمت دوم لئوپاردی با زبان شکوه‌مند همیشگی از خوشبختی بشر سلب واقعیت کرده و بر اینکه لذت و شادی چیزی جز فقدان رنج و درد نیست تمام لذات زندگی انسان را پوچ و بی‌مایه دانسته است.

سروده‌های لئوپاردی از احساسات درونی شاعر سرچشمه می‌گیرند و کم‌کم به نقطه اقتدار و دید فلسفی وی که از یک سو بیان و نمایش قهرمانانه و از سویی دیگر دید منفی وی نسبت به زندگی است می‌رسند.

در اثر «Bruto Minore» قتل سزار را توصیف می‌کند. یکی از قهرمانان این داستان صداقت و راستی را بیهوده یافته و به وجود خدایان شک می‌نماید و خود را در مقابل قدرت نفرین شده سرنوشت بسیار کوچک می‌بیند و با آن به مقابله می‌پردازد. این قهرمان با اشاره به گفته‌های لئوپاردی و از زبان اومی گوید: «انسان درد دنیا تنها است و طبیعت از وجود وی بی‌خبر است».

قابل توجه است که تعمق و خیال‌پردازی او در برخی از اشعارش با محتویات و نکته‌های معنوی همراه می‌شوند که در آنها شاعر، ناخودآگاه از ماده‌گرایی به اصول فلسفه فکری خود می‌رسد. مانند: «شادی چیزی جزء از بین رفتن درد نیست».

آلساندرو مانتزونی: Alessandro Manzoni (۱۷۸۵-۱۸۷۳) میلادی

وی در سال ۱۷۸۵ در میلان متولد شد. مادرش «جولیا بکاریا»^۱ دختر «چزار بکاریا»^۲ بود. همانطور که میگویند «چزار» بدلیل دانش و توجهش به عدالت بسیار معروف بوده و مطمئناً نوه‌اش هم از وی برخی از این خصوصیات را به ارث برده بود. از سال ۱۷۹۱ تا سال ۱۸۰۰ در کالجهای مذهبی تحصیلات خود را ادامه داد.

وی فعالیت ادبی خود را از سن پانزده سالگی با سرودن دو شعر انقلابی به نامهای (درباره خویش) و (پیروزی آزادی) آغاز کرد.

برای تحلیل بیشتر شخصیت ادبی مانتزونی میتوان زندگی وی را به دو قسمت تقسیم کرد. یکی از آغاز فعالیتهای ادبی او تا سن بیست و پنج سالگی و یکی از بیست و پنج سالگی بعد. در قسمت اول زندگی، مانتزونی تحت تاثیر افکار و آثار نویسندگان عصر پیشین یعنی عصر تنویر و نیز مجذوب افکار ملی‌گرایانه کلاسیکها و نئوکلاسیکها بود و با وجود اینکه در یک خانواده کاملاً مذهبی متولد و همچنین در مدارس مذهبی آن دوره نزد کشیشها به تحصیل پرداخته بود در آثارش اثری از بینش مذهبی و اخلاق مسیحیت مشاهده نمی‌شود.

تا سال ۱۸۰۵ که به پاریس رفت، با تقلید از «آلفیری»^۳ و «مونتسی»^۴ و نیز برای منعکس کردن ایده‌های دموکراسی مقالات و داستانهایی نوشت.

پس از آن در طول اقامت پنج ساله‌اش در پاریس که با محافل و شخصیتهای ادبی آن دوره معاشر بود، و این معاشرتها در کشاندن روح ظریف وی به سمت شک و تردید و

^۱ -Giulia Beccaria

^۲ -Cesare Beccaria

^۳ -Alfieri

ایجاد زمینه‌های یاس و بدبینی در افکارش نقش بسزایی داشتند و اگر تحولاتی در ذهن وی صورت نمی‌گرفت او نیز همانند «فوسکولو»^۱ و «لئوپاردی» در ورطه مادی‌گرایی و ذهن‌گرایی که مشخصه افراد اهل قلم آن زمان بود فرو می‌افتاد. ولی خوشبختانه اینچنین نشد و تحولاتی که در افکار مانتزونی حدوداً در سن بیست و پنج سالگی به وجود آمد او را شاعری متفکر و آزاده و واقع‌گرا ساخت که امروزه از مشاهیر ادبیات قرن نوزدهم ایتالیا به شمار می‌رود.

مانتزونی در سال ۱۸۶۰ سناتور «nuovo Regno» شد. و پس از آن در سال ۱۸۷۲ نشان «Cittadino onorario» را قبول کرد. او در ۲۲ ماه می سال ۱۸۷۳ زندگی را بدرود گفت.

اکنون بطور خلاصه نگاهی به چند اثر این هنرمند بزرگ می‌اندازیم:

نخستین مجموعه شعر او که شامل پنج شعر بلند به نام «Inni Sacri» است، پایگاهی رفیع در بین آثار قرن نوزدهم اروپا را داراست. و در فاصله‌های سالهای ۱۸۱۲، ۱۸۲۲ سروده شده‌اند به ترتیب عبارتند از: «La risurrezione» «il nome di Maria»، «Il natale»، «La Passione»، «La Pentecoste».

در «La Pentecoste» پنجاه گلریزان که قطعه شعر نسبتاً بلندی است به مناسبت یکی از اعیاد معروف مذهبی که به همین نام است، سروده شده است. این شعر نمایانگر اندیشه عرفانی و مذهبی شاعر بوده است. در قسمت اول شعر مانتزونی خطاب به کلیسا، نزول روح القدس و به اشاعه آیین مسیحیت در دنیای کفر و بت پرستی آن دوره می‌پردازد. در قسمت دوم دست نیایش بسوی خداوند بلند می‌کند و از او می‌خواهد که به

یاری بندگان خود بشتابد و بشریت را از هر نژاد و قوم چه نیک سرشت و چه پلید از چشمه رحمت و فضیلتش سیراب سازد.

از دیگر آثار برجسته مانتزونی میتوان تراژدی «کنت کارمانیولا»^۱ و «آدلکی»^۲ و نیز دو قصیده معروف به نامهای «ماه مارس ۱۸۱۲» و «پنجم ماه می» که دارای مضمون تاریخی می‌باشند و از ساختار شعری محکم و لطافت کم نظیری برخوردارند را نام برد.

اکنون به اثر معروف مانتزونی که «I Promessi Sposi» (نامزدها) است اشاره می‌کنیم که بیشتر شهرت و محبوبیت او خصوصاً در خارج از ایتالیا مرهون این اثر بنام است. در این اثر تکامل شعر و هنر از نقطه نظرهای متفاوت در سبک و مدرسه رمانتیسیم چه از لحاظ منطوق واقع‌گرایی و چه در توصیف احساسات و معنویات خالص بشری به وضوح مشاهده می‌شود.

او در این شاهکار در خیال و تصورات خویش و با احساسات نابش وقایع و شخصیت‌های داستان را جاودانه ساخته است. این کتاب در واقع بزرگترین اثر سبک رمانتیسیم است که به خاطر گستردگی و عمق مطلب و بدلیل اینکه روح و شخصیت شاعر را منعکس میکند، میتواند با آثار «داتته آلیگیری»^۳ در یک ردیف قرار گیرد.

«I Promessi Sposi» زندگی و روند روزمره آنرا از دیدگاه مانتزونی بیان می‌کند. و از تحولات معنوی که از همان ابتدا فعالیت‌های ادبی و گرایش‌های مذهبی وی را تحت تاثیر قرار داده‌اند صحبت به میان می‌آورد.

^۱ -Il Conte Carmagnola

^۲ -Adelchi

^۳ ۳

در این کتاب انسانیت در زندگی روزمره با دردها و رنجهای مداومش و با امیدها، آرزوها و شایدهایش لمس می‌شود. اما اگر در یک فضای گسترده به همه این واقعیت‌های زندگی از بالا نگاهی عمیق بیاندازیم، خواهیم دید که این داستان از بی عدالتی‌ها، زورگویی‌ها و نبردها برای ساختن فردایی بهتر سخن می‌گوید و نمایانگر این نیز هست که هریک از ما براساس سرنوشتی از قبل پیش بینی شده به این دنیا آمده‌ایم و هریک به سمت فردایی اسرارآمیز هدایت می‌شویم. تمامی این خصوصیات تشکیل دهنده اصل معنوی و ادبی شاهکار «مانتزونو» یعنی «I Promessi Sposi» است.

اوگو فوسکولو: (۱۸۲۸-۱۷۷۸ میلادی)(Ugo Foscolo)

این شاعر در سال ۱۷۷۸ میلادی در جزیره‌ای کوچک و دورافتاده به نام «زانتِه» از مادری یونانی و پدری ایتالیایی متولد شد.

دوران جوانی وی با فقر و تنگدستی طاقت فرسایی همراه بود ولی با وجود تمامی این معضلات بدلیل اینکه «اوگو» از نبوغی ذاتی و سرشتی پویاگر برخوردار بود توانست به مطالعه و تفحص عمیق در زمینه ادبیات و فلسفه بپردازد و حاصل این کوشش خستگی‌ناپذیر این بود که هنگامی که هنوز هجده سال نداشت تسلطی عمیق بر زبان و ادبیات یونانی، ایتالیایی و لاتین و نیز به مبانی فلسفه یافت. که حاصل این دستمایه ادبی و فلسفی رمان معروف «ultime lettere di Jacopo Ortis» می‌باشد که در زمره یکی از شاهکارهای ادبیات قرن نوزدهم ایتالیا قرار دارد.

اوگو شاعریست که با وجود اینکه با آثار خویش صفحات جاودانه‌ایی را بر دفتر ادبیات ایتالیا افزوده است، ولی خود در طول زندگی پر فراز و نشیب همواره در پهنه امواج خروشان زندگی گاه به بالا و پایین و گاه به این سوی و آن سوی پرتاب می‌شود.

گاه خواستار جاه و مقام و گاه گوشه عزلت می‌گزیند. روزی زاهدی دیندار و روزی به میخوارگی و قماربازی پناه می‌برد.

جایی از عشق و عطوفت سخن به میان می‌آورد و آنرا دستمایه تعالی نوع بشر می‌خواند و جایی دیگر همین عشق و عاطفه را پوچ و بی‌مایه قلمداد می‌کند و معلوم نیست که آیا آشفته‌گی‌ها و بی‌ثباتی‌های اجتماعی و سیاسی آن دوره باعث اندیشه‌ها و افکار متناقض این نویسنده و شاعر بوده است یا اینکه ریشه در سرشت ذاتی و طبیعی او دارند.

همانطور که می‌دانیم این عصر با انقلاب در فرانسه که توسط ناپلئون بناپارت انجام شد، همزمان بود. همزمان در ایتالیا نیز آشفته‌گی سیاسی و اجتماعی برقرار بود و تمامی هنرمندان و نویسندگان به شیوه‌ای انقلابی هنر خویش را بکار می‌گرفتند.

«اوگو» نیز در آن دوران حساسیتی شدید به رهایی و استقلال کشور خویش داشت. «فوسکولو» بر خلاف «لئوپاردی» تماماً به ورطه یاس سقوط نکرد و در عین ناامیدی، امید به آزادی کشور و هموطنانش را داشت. او همزمان با فعالیت‌های ادبی در ارتش نیز به خدمت مشغول بود یعنی میتوان گفت که او همواره با قلم در یک دست و سلاح در دست دیگر می‌زیست. ولی در طول زندگی آشفته و مصیبت زده خود نتوانست شاهد تحقق آرمانهای دیرین باشد و به همین دلیل به تدریج تزلزل اندیشه و تناقضها در افکار و نتیجتاً در آثار وی دیده می‌شود.

ولی وی هیچگاه به ورطه شک و بدبینی سقوط نکرد و خواندن آثارش هیچگاه به خواننده یاس و بدبینی را القاء نمی‌کند. وی همواره فریاد آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی را درسینه داشت و آن را در آثارش نیز منعکس می‌کند.

از مهمترین آثار وی میتوان از شعری بلند با عنوان «دیار خاموشان» یاد کرد. که زیباترین و پخته‌ترین و کاملترین اثر این شاعر میباشد.

محور اصلی این شعر، نقشی است که درگذشتگان و خاطره آنان میتواند در زندگی بازماندگان بجای گذارد.

منظومه دیگر او «Le Grazie» نام دارد که این نیز نمادی از اوج توانایی این شاعر است در زمینه نثر بزرگترین اثر این نویسنده همانطور که قبلاً نیز اشاره شد رمانی است بنام «Ultime lettere di Jacopo Ortis» این رمان که در واقع داستان زندگی خود نویسنده است، بصورت مکاتبه بین جوانی بنام یاکوپو اورتیس و جوان دیگری بنام «لورنتزو آلدرانی»^۱ میباشد. و به تجزیه و تحلیل عمیق از نشیب و فرازها و تحولات روحی هنرمندان آن دوره می‌پردازد.

«تراژدی آژاکس»^۲، «قه‌رمان ترویا»^۳، «تراژدی ریچاردا»^۴، «مجموعه اشعار کوتاه»^۵، «مجموعه غزلیات»^۶ از دیگر آثار این نویسنده و شاعر ایتالیایی به شمار می‌روند.

فرانچسکو دسانکتیس: Francesco De Sanctis

او یکی از نویسندگان، منتقدان و تاریخ نویسان دوره رمانتیسیم است. این دوره همانطور که قبلاً اشاره شد همزمان با دوره Risorgimento است. وی با شاهکار خود که «تاریخ ادبیات ایتالیا» نام داشت، نه تنها نظریات و خلیات یک متفکر و منتقد را بیان

¹ -Lorenzo Alderani

² -Ajace

³ -Troia

⁴ -Ricciarda

⁵ -Le Odi

⁶ - -

کرده است، بلکه یک داستان نویس زنده و به تمام معنا مردمی، محکم و استوار است که همه این خصوصیات از احساس عشق به وطن سرچشمه می‌گیرند و تغذیه می‌شوند. دسانکتیس در سال ۱۸۱۷ متولد شد. وی در نه سالگی برای تحصیل به ناپل فرستاده شد. در سال ۱۸۴۱ در کالج ارتشی «Nunziatella» جایی که افسران آینده را تربیت می‌کردند مشغول به تدریس شد، و همزمان خودش، مدرسه‌ای را تاسیس کرد که در آن جنبشی برعلیه فرم‌گرایی ناب آغاز شد. این مدرسه تا سال ۱۸۴۸ به کار خود ادامه داد در این سال دسانکتیس با شاگردانش به جنگ علیه «Barboni» شتافت. او بمدت سه سال در «Castel del ovo» زندانی بود.

تا زمانیکه به تورینو فرار کرد و از آنجا هم به زوریخ گریخت.

در زوریخ استاد ادبیات ایتالیایی شد و در دانشگاه پلی تکنیک به تدریس پرداخت. در

سال ۱۸۶۱ وزیر آموزش اولین کابینه دولت ملی «کاوور»^۱ شد. و در دسامبر سال ۱۸۸۳ دار فانی را وداع گفت.

فهرست منابع و مآخذ:

1. «Mario Pazzaglia»

«Scrittori e Critici della letteratura Italiana»

«antologia Con Pagine Critiche e un Profilo di Storia letteraria »

(Zanichelli editore) 1979

2- eugenio donadoni

Breve Storia della letteratura Italiana

3- C.Salinari -C.ricci

Storia della letteratura Italiana

Editori laterza 1991

4- Vincenzo Salzano

Letteratura Italiana «Ottocento e novecento»

Casa editrice le muse 1987

5- Giuliano Manacorda-Giuseppe Gangemi

«Storia della letteratura Italiana - dal Cinquecento all
Settecento »

6- «Vincenzo de Caprio -Stefano Giovanardi»

letteratura Italiana «Storia, Autori, Testi» 1989

توضیحات:

1. IL Romanticismo

دوره رمانتیسیسم

2. L'Illuminismo

دوره روشنگری

3. Tempesta e assalto

یورش و طوفان

4.IL Conciliatore

آستی پذیر

5.IL Risorgimento

نهضت رستاخیز

6.La lettera semiseria di
cristostomo

«نامه طنزآمیز کریستوستومو»

7.IL Romanzo Storico

رمان تاریخی

8. I Poeti Patriottici

شاعران وطن پرست

- | | |
|---------------------------------|---------------------------------------|
| 9. ballate | سروده‌های مردمی همراه با رقص و موسیقی |
| 10. novelle | داستانهای کوتاه |
| 11. guardia civica | نگهبانان شهر |
| 12. IL Romanzo maggiore | رمان بزرگ |
| 13. Le Confessioni di un Ilati | اعترافات یک ایتالیایی |
| 14. L'appressamento della morte | نزدیکی مرگ |
| 15. Primo amore | اولین عشق |
| 16. Sopra il monumento di Dante | بر بنای یادبود دانته |
| 17. All'Italia | تقدیم به ایتالیا |
| 18. L'infinito | لایتناهی |
| 19. Alla luna | تقدیم به ماه |
| 20. la vita solitaria | زندگی در عزلت |
| 21. La sera del di' di festa | شب روز جشن |
| 22. Novo Regno | حکومت جدید سلطنتی |
| 23. Cittadino onorario | شهروند افتخاری |
| 24. I Promessi Sposi | نامزدها |
| 25. Inni Sacri | سروده‌های مذهبی |
| 26. La risurrezione | رستاخیز |

-
- | | |
|--------------------------------|-----------------------------|
| 27. Il nome di Maria | نام حضرت مریم |
| 28. Il natale | ولادت حضرت مسیح |
| 29. La Passione | مصائب حضرت مسیح |
| 30-La Pentecoste | پنجاهه گلریزان |
| 31. Ultime lettere di Jacopo o | آخرین نامه‌های یعقوب اورتیس |
| 32. Le Grazie | الهه‌ها |